

۷. اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار مشترک اروپا

مقدمه - زمینه تشکیل بازار مشترک

پس از جنگ بین الملل دوم، ملت‌ها در یافتن دکه دنیا با کمال تاسف بسوی یک نظام دو قطبی گام می‌نهد. در این راستا، ایجاد دو مرکز قدرت محرز بود: ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی. این دو قطب بی‌ساخته‌های متفاوت اقتصادی، سیاسی و نظامی در مقابل یکدیگر قرار گرفته و دیگر مناطق جهان را عرصه کشمکش‌ها و رقابت‌های توسعه طلبانه خود نمودند.

در این میان کشورهای اروپایی برای نجات قاره خود بطور جدی بفعالیت افتادند (۱) این دولت‌ها بویژه گذشته اروپا را که مبدأ شروع دو جنگ خانمانسوز جهانی بود مدنظر قرار دادند و نتیجه گرفتند که اگر اتحادیه اروپا وجود می‌داشت صرف نظر از دستاوردهای اقتصادی آن حداقل از بروز این دو فاجعه که به تضعیف آنان و تقویت دیگران انجامید جلوگیری بعمل می‌آمد (۲)!

اما تحقق چنین فکری آن‌هم در شرایط زمانی و مکانی اروپا

(1): Louis CARTOU, "Communaute's europeennes", 7ed, Dalloz (1981, Paris), nos 47s.

(2): Op cit, n° 31

کارساده‌ای بنظر نمی‌رسید (۱) از جمله مشکلات بزرگ: یکی مخالفت احزاب کمونیست اروپای غربی که تحت نفوذ شوروی قرار داشتند، و دیگری سیاست انگلستان بعنوان مرکز ثقل ممالک مشترک المنافع بود. شوروی که نمی‌توانست شاهدهمبستگی کشورهای اروپای غربی و ظهور ابرقدرتی دیگر باشد، وحتى بنا به عقیده بسیاری و با توجه به قرائن و شواهد، نیست تماحب آن خله را نیز می‌داشت از طریق احزاب وابسته موانعی ایجاد می‌کرد (۲). همچنین کشور انگلیس با منافع چشمگیر خود در اتحادیه کشورهای مشترک المنافع (Common Wealth) از ابتدا با شک و تردید بسیار با جا معاقتصادی برخوردار نمود و پس از پیوستن نیز بطور کامل بسه شرایط آن گردن ننهاد (۳).

مسئله قابل توجه دیگر اختلاف مرزی آلمان و فرانسه بود که اگر بگونه‌ای حل نمی‌شد، اتحادیه اروپا در روی کاغذ باقی می‌ماند و هرگز پابه منصفه ظهور نمی‌گذازد (۴).

(۱): وینستون چرچیل علی‌رغم تردیدهای بعدی دولت بریتانیا نخستین دولتمرد اروپا نیست که پس از جنگ فکرا ایجاد اتحادیه اروپا را مطرح نمود. بعنوان مثال رک، والترهالشتاین، "بازار مشترک" ترجمه هوشنگ نهاوندی، چاپ بهمن (تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۵۳) جلد اول، ص ۵ ببعد.

(۲): رک، والترهالشتاین، همانجا. همین معضل بنوع دیگری در برابر آمریکا وجود داشته است. رک، ارنست مندل، "اروپا در مقابل آمریکا"، ترجمه ضیاء پویا و خلیل هراتی، چاپ اول (تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۵۳) جلد اول. مقدمه. همچنین رک، Louis CARTOU, "Op_cit_" n° 48.

(3): Berthold Goldman, Antoine LYON-CAEN, "Droit Commercial europeennes", 4 ed, Dalloz, (Paris-1983) n° 1.

(۴): والترهالشتاین "بازار مشترک"، همان ماخذ همانجا.

با لاینحل جلوه‌گر شدن. مشکل اول و دوم در وهله نخست فکرایجاد یک اتحادیه اقتصادی با همکاری همزمان کشورهای غربی منتفی بنظر می‌آمد. لذا این فکر تقویت گردید که در ابتدا پس از رفع اختلاف مرزی میان آلمان و فرانسه (که ممکن بود بعدها با تحریکات خارجی به‌کانون بحران دیگری مبدل شود)، اتحادیه‌ای محدود میان دوکشور ایجاد شده و راه را برای همبستگی گسترده اقتصادی و سیاسی بازنماید. بدین منظور پس از حل مشکلات مرزی، "شومان" وزیر امور خارجه وقت فرانسه برنامه‌ای برای تولید مشترک ذغال سنگ و فولاد^(۱) به دولت آلمان و همینطور سایر کشورهای ذی‌علاقه اروپائی ارائه کرد. این پیشنهاد حتی قبل از علنی شدن آن مورد قبول دولتمردان آلمانی قرار گرفت. در مدت کوتاهی نظر به اهمیت آن از لحاظ توجه به صنایع سنگین کشورهای عضو بنلوکس^(۲) و ایتالیا موافقت خود را برای ورود به چنین اتحادیه‌ای ابراز داشتند اما دولت انگلستان حاضر به محدود نمودن حاکمیت خود در این زمینه نگردید. سیاستمداران این کشور در آن زمان اعلام کردند که می‌توانند تصمیماتی در جهت هماهنگی با دیگر کشورهای اروپائی اتخاذ نمایند، اما ادغام حاکمیت دولت‌ها را و لونیسم جزئی نمی‌پذیرند. با وجود این، مذاکرات ادامه یافت و در اواسط سال بعد (آوریل ۱۹۵۱) پیمان پاریس مورد تصدیق کشورهای آلمان غربی، فرانسه، هلند، بلژیک، ایتالیا،

(۱): این برنامه نهایتاً در سال ۱۹۵۲ به تاسیس جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا منجر گردید.

Communaute' europe'enne du charbon et de l'acier (C.E.C.A.); European Coal and Steel Community (E.C.S.C.).

ر. ک. جعفر نیاکی، "حقوق سازمانهای بین‌المللی"، انتشارات دانشگاه ملی، چاپ دوم، جلد اول، ص ۵۱۲ بی‌بعد.

(2): BENELUX (Belgique, Hollande, et Luxembourg).

لوکزامبورگ (بعنوان اعضاء اولیه با زار مشترک اروپا) قرار گرفت . پس از چندی میان اعضای این شش کشور بمنظور همکاری و نزدیکی بیشتر مطالعاتی در جهت ایجاد یک شورای دفاعی اروپا (۱) صورت پذیرفت که در سال ۱۹۵۳ منتهی به امضاء یک موافقتنامه در شهر استراسبورگ فرانسه گردید . اما این موافقتنامه عکس العملهای شدیدی را در این کشورها بدنمال داشت . از جمله مجلس ملی فرانسه این پیمان را رد نمود . از این پس معالک مذکور با توجه به تدریجی بودن پیشرفت در جهت اتحاد اروپا ، سیاست گام به گام آن هم در زمینه اقتصادی برگزیدند و مسوارد سیاسی و نظامی را کنار گذاردند .

به این ترتیب ایده اروپای متحد این بار تنها از لحاظ اقتصادی ولی در ابعادی تازه مورد توجه قرار گرفت : همکاری میان کشورهای عضو به تمام موارد گردش کارها و خدمات تسری یافت (۲) . در این راستا دولت هلند در سال ۱۹۵۵ به نمایندگی از طرف کشورهای بنلوکس پیشنهادی را به سه عضو دیگر اتحادیه زغال سنگ و فولاد اروپا تسلیم نمود که در آن طرح یک بازار مشترک داغریب ازادی گردش کارها ، سرمایه ، اشخاص و خدمات ارائه شده بود . بدنمال آن یک کمیته مشترک دولتی مرکب از نمایندگان دولت های عضو و خبرگان امریبه ریاست پل اسپاک (۳) ، (یکی از دولتمردان بلژیک) تشکیل شد که گزارش کار آن به نام همین شخص مشهور است . این گزارش مورد بحث و وزرای امور خارجه شش کشور عضو قرار گرفت و سرانجام پس از

(1): Conseil Europeen de De'fense (C.E.D.) .

(2): B. Goldman, OP_cit, Loc cit; L. Cartou, ... OP_cit n° 53s; Paul M. STORM, "Some Observations on the Law of The European Communities" in "Business Law in Europe", Edited by M. J. Ellis and P. M. Storm, KLUWER (Netherlands 1982) PP 1 and next.

(3): Paul Spaak

طی مراحل سخت اولیه منجر به ایجاد دو اتحادیه جدید گردید: جامعه اقتصادی اروپا (۱) و اوراتم (۲) (جامعه انرژی اتمی اروپا) (۳).

بمرور، پیشرفتهای اقتصادی کشورهای عضو زیکسو و رشد اقتصادی نسبتاً "کمتر انگلستان از سوی دیگر موجب شد که این کشور و سه دولت غیر عضو دیگر نیز الحاق به این اتحادیهها را مورد توجه قرار دهند. از لحاظ مقررات این اتحادیهها، ورود اعضا جدید اروپائی بلا اشکال بود (۴). لذا در سال ۱۹۶۷ دولت انگلیس رسماً "تقاضای الحاق خود را به شورای جامعه اقتصادی اروپا تسلیم نمود. فردای آن روز دولتهای دانمارک و ایرلند نظیر این درخواست را بعمل آوردند و بدنبال آنها دولت نروژ دست به اقدام مشابهی زد.

با این پیشنهادها، مذاکرات طولانی و دشوار آغاز شد. نهایتاً "در ژانویه ۱۹۷۲ پیمان الحاق این چهار کشور به سه اتحادیه فوق الذکر در شهر بروکسل منعقد گردید. لازم به تذکر است که ملت نروژ در یک referendum عمومی الحاق کشور خود به اتحادیههای اروپائی را رد نمودند. به این ترتیب در مرحله دوم تنها سه کشور انگلیس، دانمارک و ایرلند به بازار مشترک اروپا ملحق می شوند که پیمان الحاق مربوطه در ژانویه ۱۹۷۳ قابل اجرا می گردید.

(1): *Communaute' Economique Europeen (C.E.E.)* ;
European Economic Community (E.E.C.) .

(2): *Communaute' Europeenne de Lénergie atomique*
(Euratom) ; *European atomic energy Community* .

(۳): پیمان تشکیل این دو اتحادیه در شهر رم بتاريخ مارس ۱۹۵۷ امضاء و از ژانویه ۱۹۵۸ به مورد اجرا گزارده شد.

(۴): ماده ۹۸ از CECA ; ۲۳۷ از CEE ; ۹۸ از Euratom .

دهمین عضو بازار مشترک، یونان است که در سال ۱۹۸۱ به اتحادیه‌های اروپائی پیوست. پیمان الحاق این کشور که در شهر آتن به امضاء رسید، با توجه به مسائل ناشی از عقب ماندگی یونان، یک مهلت پنج ساله آزمایشی جهت الحاق همه جانبه دائمی پیش بینی نموده است. متعاقب آن در سال ۱۹۸۶ دو کشور اسپانیا و پرتغال نیز پس از مذاکرات طولانی و پس از آنکه سالها با مخالفت علنی بعضی از کشورهای بازار مواجه بودند، بعنوان اعضا جدید جا معه اروپائی، به اتحادیه‌های فوق پیوستند (۱). در حال حاضر ظاهراً "صحبت بر سر آن است که با چه شرایطی می توان دو کشور ترکیه و مراکش را به بازار مشترک راه داد. نظرات ضد و نقیضی در این خصوص جریان دارد (۲).

مضافاً اینکه، زهم اکنون موجبات اتحاد اروپا که برای سال ۱۹۹۲ پیش بینی گردیده است فراهم می آید. توافقهای جدید فرانسه و آلمان جهت برپائی سفارتخانه‌های مشترک و اتخاذ تصمیمات هماهنگ در عرصه بین‌المللی نشانگر اراده خلل ناپذیر دولت‌های اروپائی در این زمینه است (۳).

- (۱): برای مطالعه سیر تحول جا معه اقتصادی اروپا به مآخذ فارسی زیر می توان مراجعه نمود:
- علیقلی اردلان. "ا بر قدرتی دیگر بازار مشترک اروپا"، (تهران: چاپ وحید، ۱۳۶۲) ص ۳۸۵ بعد.
 - حسین قاضینور "بازار مشترک اروپا"، رساله فوق لیسانس دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۵۲.
 - تقی سادات جواهری، "سازمانهای عمران منطقه‌ای در اروپا و آسیا"، رساله فوق لیسانس دانشگاه تهران: ۱۳۴۶.
 - فریدون مجلسی، "سازمان و طرز کار اتحادیه‌های اروپائی"، رساله فوق لیسانس دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۵۴.

(۲): روزنامه اطلاعات (۸ دیما ۱۳۶۷) ص ۱۲ بنقل از مجله العالم.

(۳): روزنامه کیهان (۵ دیما ۱۳۶۷) ص آخر، گزارش، ژاک دولسژ، رئیس کمیسیون اجرایی بازار مشترک. اخیراً "در مصاحبه با نیوزویک گفته است که تا سال ۱۹۹۲ می بایست مرزها و کنترل آنها بکلی میان کشورهای عضو برداشته شده و به اطراف منطقه جغرافیای بازار مشترک انتقال یابد. رک. نیوزویک ۶ فوریه ۱۹۸۹ ص ۱۰.

بخش نخست - وضعیت اشخاص حقیقی در بازار مشترک اروپا

در این قسمت لازم است مشخص شود وضعیت حقوقی اتباع خارجه اعم از اروپائی و غیر اروپائی در قلمرو یک کشور عضو با معاقتصا دی اروپا تابع چه ضوابط و اولویت هائی است. برای نیل به این مهم ابتدا می بایست مختصری از سابقه و موقعیت بیگانگان در سرزمینهای اروپایی نقل گردد.

فصل اول - سابقه حقوق افراد بیگانه در اروپای غربی

یکی از اهداف و شعارهای مردم در انقلاب فرانسه (سال ۱۷۸۹) این بود که تجارت با پدیدانحصار طبقه خاص آن روز بیرون آمده و برای همه اقشار جامعه آزاد شود. بر همین اساس پس از این تاریخ اختیار مزبور به همگان اعطاء گردید (۱). منشاء این تحول، قانون ۱۲ مسارس ۱۷۹۱ می باشد که در آن نه تنها برای فرانسویان، بلکه جهت بیگانگان نیز حق آزادی حرفه و تجارت به رسمیت شناخته شده بود. شایان توجه آنکه در این مورد میان اتباع فرانسوی و خارجیان تفاوتی وجود نداشت. از آن پس سه تبعیت از این اقدام بشر دوستانه چند کشور دیگر اروپائی نظیر همین حقوق را برای اتباع خود و بیگانگان به رسمیت شناختند.

اما در فاصله سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ بحران اقتصادی سراسر

(1): Art. 1 C. Com.: "Sont Commerçants Ceux qui exercent des actes de commerce et en font leur profession habituelle".

این حکم در ماده ۱ قانون تجارت ایران مثل ماده ۱ قانون تجارت فرانسه انعکاس یافته است. ماده ۱ قانون تجارت ایران: "تا جرکسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد".

اروپا را فرا گرفت که از نتایج آن می توان عدم امکان تامین شغلی برای اتباع کشورهای این منطقه را برشمرد. در این شرایط دولتهای مربوطه بمنظور ایجاد اشتغال جهت اتباع خود، محدودیت هائی را نسبت به اتباع بیگانه اعمال نمودند. به همین ترتیب در دهه، اخیر، بواسطه افزایش نرخ تورم و بیکاری، فکراختصاص منابع کارملی به افراد کشور و نهایتاً " اخراج بیگانگان توسط احزاب راست افراطی عنوان می شود. این اوضاع و احوال در کشورهای آلمان و فرانسه سابقه داشته و تاکنون در هر یک بنوعی ادامه یافته است (۱).

فصل دوم - قواعد عمومی و حقوق قراردادی در مورد اتباع بیگانه :

.....

در خصوص امکان اقامت خارجیان در کشورهای اروپائی، رویهم رفته قاعده کلی آن است که این ممالک میان اتباع خود و بیگانگان اعم از اروپائی و غیر آن تفاوت قائل هستند. مگر اینگونه استثنائاً " در پیمانهای دویا چند جانبه، امتیازاتی جهت اتباع کشور خاص منظور شده باشد (۲).

به این ترتیب طبقاً "موضوع به دو شاخه تقسیم می شود: اول مقررات عام هر یک از کشورهای با زار مشترک که مطابق آن اجازه اقامت و تجارت به اتباع خارجی اعطا می گردد (مبحث اول). و دوم قواعد ناشی از پیمانها و قراردادهای اروپائی که در حد تعارض جانشین این مقررات عمومی در مورد اروپائیان شده است (مبحث دوم).

- (۱): بعنوان مثال می توان از موضع نشونازی های آلمان در برابر شرکتهای شاغل در آن کشور و دست راستی های افراطی فرانسه در مقابل کارگران عرب ساکن در این سرزمین نام برد.
- (۲): مانند کشورهای عضو بنلوکس که امتیازات ویژه ای برای اقامت اتباع یکدیگر منظور کرده اند.

مبحث اول - قواعد عمومی : در گذشته ، اقامت بیگانگان در کشورهای اروپائی تا سال ۱۹۴۸ با مشکلاتی همراه بود. اما صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحولی شگرف را در کشورهای اروپائی موجب گردید. از این پس معالک مذکور برای حق اقامت و عدم اخراج بیگانگان اهمیت بیشتری قائل شدند. مطابق مندرجات اعلامیه ، فقط خارجیانی که برخلاف نظم عمومی ، اخلاق حسنه و یا امنیت اجتماعی اعمالی انجام داده و توسط دادگاه صالحه محکومیت حاصل کرده اند می بایست از خاک کشورها بیرون رانده شوند.

اول - ورود اقامت در کشورهای با زار مشترک جهت سیاحت یا جهانگردی : این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است : اولاً ، امروزه توریسم بعنوان یک صنعت در کشورهای مختلف مطرح بوده و منافع مادی و معنوی بسیاری را برای ملتها به ارمغان می آورد. ثانیاً ، شخص با مسافرت به سرزمین بیگانه و مساعد دیدن اوضاع و شرایط بازرگانی و حرفه ای ممکن است تصمیم به اقامت و شروع یک فعالیت تجاری ، صنعتی یا حرفه ای نماید. ثالثاً ، از لحاظ حقوقی ورود به قصد یک فعالیت بازرگانی حداقلاً مستلزم آن است که شخص از شرایط لازم برای جهانگردی برخوردار باشد. الف - ورود : بطور کلی می توان گفت که قاعده " اعضای جامعه ورود بیگانگان را به سرزمین ملی ، موکول به ارائه گذرنامه می نمایند. علاوه بر این (بدون در نظر گرفتن توافقنامه های دو یا چند جانبه در چارچوب اروپا) یک ویزای کنسولی نیز می بایست در گذرنامه جهت حرکت منعکس گردد. معذک قوانین چند کشور از جمله : ایرلند ، دانمارک و انگلیس ، مواردی را مشخص نموده اند که به موجب آن به مقامات صلاحیتدار اجازه می دهد از ورود تبعه بیگانه به خاک کشور علی رغم

داشتن گذرنامه و ویزا جلوگیری بعمل آورند .

ب - اقامت : مقررات عمومی کشورهای جامعه اقتصادی دراصل به یکدیگر شباهت دارند . وجه تشابه آنها از حیث اجازه اقامت به خارجیان است که توسط کارت اقامت صادره از طرف مقامات ذی صلاح احراز می گردد :
- در فرانسه ، ماده ۶ تصویب نامه سال ۱۹۴۵ مقرر می دارد : هر خارجی که پس از اتمام مهلت سه ماهه از هنگام ورود ، قصد اقامت بیشتر داشته باشد ، باید درخواست کارت اقامت نماید . کارت اقامت سه نوع است : موقت (۱) ، عادی (۲) و ویژه (۳) که مدت اعتبار آنها به ترتیب یک سه و ده سال می باشد . کارت اخیر بطور اتوماتیک قابل تمدید به همان مدت خواهد بود .

- در آلمان فدرال (۴) بر اساس مقررات موجود ، خارجیان معساف از ارائه گذرنامه ، مشخص شده ، و مدارکی که می توانند جایگزین گذرنامه شوند نیز معین گردیده است . همین قواعد موارد اجازه اقامت از طریق کسب ویزا قبل از ورود به خاک آلمان را پیش بینی می نماید . در ضمن به بیگانگانی که حداقل مدت پنج سال مطابق ضوابط قانونی در این کشور اقامت داشته و در زندگی اجتماعی و اقتصادی آمیختگی حاصل نموده اند بطور نامحدود اجازه اقامت اعطاء می شود .

- در بلژیک مطابق مقررات سال ۱۹۶۵ ، اجازه اقامت به دو صورت داده می شود : اول ، کارت اقامت یکساله با ثبت مراتب در دفتر مخصوص بیگانگان . و دوم ، " کارت استقرار پنج ساله که هر دو قابل تمدید

(1): Carte de séjour temporaire.
(2): Carte de resident ordinaire.
(3): Carte de resident privilégié.

(۴): قانون سال ۱۹۶۵ .

می باشند (۱).

- در ایتالیا، خارجی‌ان در برابر چهار نوع کارت اقامت سه ماهه، یکساله، سه ساله و نامحدود قرار دارند. البته در خصوص اجازت اقامت نامحدود توضیحی در قوانین داده نشده است اما رویه موجود نشان می‌دهد که هر گاه منافع ایتالیا ایجاب نماید، فراد خاصی می‌توانند از این امکانات استفاده کنند (۲).

- در کشور انگلستان، اجازت اقامت به صورت شش ماهه، یکساله، یکساله و بلنمدت که بعد از طی یک دوره پیش اقامت چهارساله تحقق می‌یابد اعطاء می‌گردد (۳).

- در هلند نیز، دو نوع اجازت اقامت کوتاه و بلنمدت وجود دارد که مهلت خاصی برای آن منظور نشده است (۴).

لازم به تذکر است، ورود و اقامت بیگانگان در تمام کشورهای جامعه اقتصادی اروپا موقوف به احراز این شرط گردیده است که خدشه‌ای به نظم عمومی، اخلاق حسنه و امنیت اجتماعی وارد نشود. و الا در هر مورد مقامات رسمی کشور محل اقامت می‌توانند تبعه خارجی را با وجود احراز شرایط دیگر، مطابق مقررات از قلمرو خود اخراج نمایند.

دوم - ورود به کشورهای با زار مشترک جهت اشتغال :

در تمام کشورهای عضو، قاعده عرفی این بوده است که باید میان

(۱): استقرار (Etablissement) به معنای اقامت طولانی به همراه انجام یک فعالیت اقتصادی در محل ویژه‌ای است. حال آنکه صرف اقامت (Se'jour) که معمولاً "کوتاه مدت است متضمن نیست فعالیت سودآور نمی‌باشد.

(۲): آئین نامه‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۴۰.

(3): Immigration Act 1971.

(۴): قانون سال ۱۹۶۵.

اتباع و بیگانگان از حیث اشتغال به حرفه گوناگون تمایز قابل شد و اولویت را به شهروندان خودی داد. برای تحقق این مقصود بطور کلی دو نوع سیاست قانونگذاری اعمال گردیده است: نوع اول، مقررات کشورهای بیگانه است که در آنها اصل بر رجحان اتباع خودی نسبت به بیگانگان می باشد، ولی استثنائاتی را برای اصل وارد نموده اند. مانند بلژیک، دانمارک، فرانسه، ایرلند و انگلستان. گونه دوم، قواعد ممالکی است که اصل را بر تساوی حقوق اتباع خود و بیگانگان پی ریزی کرده اند. اما در مقابل، استثنائات مهمی که در این سیستم پذیرفته شده بنوعی است که در یک مقایسه کلی می توان از هر دو نظام به نتایج مشابه دست برداشت. حقوق کشورهای هلند، لوکزامبورگ، آلمان و ایتالیا از آن جمله اند.

اینک یک کشور از هر گروه مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- انگلستان - اشخاص اعم از سیاح و غیر آن که مایل به اقامت در انگلستان جهت اشتغال به حرفه سودآور هستند می بایست اجازه ورود^(۱) از وزارت کشور آن دولت دریافت دارند. به این منظور متقاضی بایده مدارکی دال بر امکان سرمایه گذاری شخصی در یک شرکت موجود و یا تأسیس یک شرکت جدید جهت فعالیتهای صنعتی، تجارت یا حرفه ای ارائه نماید. در عین حال لازم است تبعه خارجی نشان دهد که از این راه می تواند حداقل معیشت خود را تأمین کند. مقامات صالحه نیز تشخیص می دهند که سرمایه گذاری این شخص در انگلیس ضروری است یا خیر. رویهم رفته از لحاظ قوانین مزبور این موضوع اهمیت دارد که شخص با منابع مالی خود در جهت منافع بریتانیا به فعالیت های

(1): Entry Clearance

اقتصادی بپردازد، نه اینکه صرفاً "قصد متقاضی یافتن کار و دریافت دستمزد باشد، که در آن صورت موکول به کسب اجازه قبلی است .

۲- ایتالیا - در این کشور به عکس مورد قبیل، اتباع، مثل بیگانگان نمی توانند به یک حرفه از صنایع دستی، بازرگانان و یا صنعتی اشتغال یابند مگر با اجازه قبلی مقامات رسمی. به این منظور بررسی مقدماتی در وضعیت شخصی و مالی متقاضی بعمل آمده و در این رابطه با اتحادیه های حرفه ای، اتاق تجارت و... مذاکراتی بعمل می آید .

اما برای خارجیان اجازه فعالیت در هر یک از زمینه های فوق، به مهلت اقامت موقت در محل معینی محدود می گردد. علاوه بر آن این اشخاص در صورتی اجازه می یابند بعضی از مشاغل را احراز نمایند که عمل متقابل با اتباع ایتالیائی در کشور آنها صورت پذیرد و این افراد بتوانند آن مشاغل را متقابلاً اشغال کنند. مضافاً اینکه، بعضی از حرفه های تخصصی به اتباع ایتالیائی داشته و خارجیان از انجام آن محرومند. مثل وکالت دادگستری و حسابرسی .

در چارچوب بازاری مشترک، دولت های عضو متعهد گردیده اند که بتدریج تحولات عمیقی در قوانین داخلی ایجاد نموده و تسهیلاتی در جهت آزادی فعالیت های صنعتی، بازرگانی و صنایع دستی و همچنین همه مشاغل آزاد برای تمام اتباع مالک عضو بوجود آورند .

مبحث دوم - حقوق ناشی از کنوانسیون های اروپائی - این مقررات را می توان به ایجا دو وضعیت جدید نسبت به اصول شناخته شده مذکور در فوق بر اساس کنوانسیون های دویا چند جانبه تعبیر نمود. کنوانسیون های راجع به استقرار اتباع خارجی (یا هر کنوانسیون دیگری متضمن شرط استقرار) که ما بین کشورهای جا معه اقتصادی اروپا (ویا میان آنها با

کشورهای ثالث) منعقدشده در دو گروه قابل طبقه‌بندی است :

— بعضی محدود به کشورهای امضا کننده بوده و ممالک دیگر نمی‌توانند به آنها ملحق شوند، تمام کنوانسیونهای دوجانبه در این رده جای دارند که پیمان سه‌جانبه بنلوکس را نیز باید در کنار آنها قرار داده و بعنوان کنوانسیونهای بسته مورد ارزیابی قرارداد.

— برخی دیگر که در ابتدا توسط چند کشور امضا شده اند در حدود موضوع خود می‌توانند پذیرای اعضای جدیدی باشند که به آنها کنوانسیونهای چند جانبه یا بازمی‌گویند.

اول - کنوانسیونهای بسته - باید متذکر شد که این کنوانسیونها میان اعضای با زار مشترک متعددی باشد و لذا به بیان دومورد مهم اکتفا می‌گردد :

۱- کنوانسیون سال ۱۹۵۶ آلمان و فرانسه - به موجب این کنوانسیون اتباع دو کشور متقا بلا"حق ورود، اقامت، فعالیت اقتصادی، کسار و خروج آزادانه را در کشور مقابل دارند، مشروط بر اینکه مطابق ماده ۶ با نظم عمومی و اخلاق حسنه و امنیت اجتماعی مغایرت نداشته باشد. همچنین به موجب ماده ۵ کنوانسیون، هر یک از دولتین به اتباع دولت دیگر اجازه ورود، اقامت، اشتغال و یا انتخاب یکی از مشاغل آزاد را بشرط نبودن مسائل جدی اقتصادی و اجتماعی اعطا می‌نماید. (۱)

(۱): در تنظیم ماده ۵ محتاطانه عمل شده، ولی واقعا مقصود این بوده است که فرانسه در شرایط ناگوار بتواند بنا به مصالح اقتصادی و اجتماعی در دادن اجازه مزبور یا لغو آن در مورد اتباع آلمانی مجاز باشد. در حالی که مطابق ماده ۱۴ کنوانسیون فرانسه و ماداگاسکار مورخه ۱۹۶۰، هر یک از دو کشور بدون هیچ قید و شرطی حق انتخاب مشاغل مختلف حتی تا سطح مشاوری است جمهوری را برای اتباع طرف دیگر می‌شناسند. اما این کنوانسیون استعماری در حقیقت یکجانبه بنفع ادا مہیا ورقی در صفحه بعد

۲- عهدنامه بنلوکس : این کنوانسیون که در سال ۱۹۶۰ امضاء شده ، در مورد ورود ، اقامت کوتاه و یا طول مدت بمنظور سیاحت یا اشتغال ، مقررات مشترکی تدوین نموده است . به موجب این قواعد تابع هر سه کشور می توانند در خاک یکدیگر تنها با معرفی کارت شناسائی (یا شناسنامه) در موارد مذکور اقدام نمایند . از این لحاظ هیچ گونه اختلافی میان تبعه و بیگانه تا به تبع یکوازه کشور وجود نخواهد داشت به استثنای مشاغل دولتی ، سردفتری اسناد رسمی ، و کالت دادگستری و ... که اختصاص به اتباع کشور مربوطه دارد .

دوم - کنوانسیونهای باز : در اینجا به دو مورد از کنوانسیونهای باز یا چند جانبه منطقه ای و یا جهانی اشاره می گردد .

۱- کنوانسیونهای مربوط به وضعیت اشخاص پناهنده و بدون تابعیت - بدنبال حدوث چند مورد پناهندگی بزرگ مانند موضوع پناهندگان روسی ، آلمان عثمانی و آلمان نازی ، بتدریج یک سلسله موافقتنامه های بین المللی جهت اعطای کارت شناسائی و گذرنامه ویژه (۱) بعمل آمد که به ترتیب عبارتند از : موافقتنامه بین المللی ۱۹۲۸ و ۱۹۳۳ ، ژنو ۱۹۵۱ نیویورک در مورد پناهندگان . همچنین موافقتنامه ۱۹۵۴ نیویورک در خصوص افراد بدون تابعیت .

ادامه پا ورقی از صفحه قبل

فرانسه تنظیم و اجرا گردیده است . زیرا در حالی که فرانسویان با بهره گیری از علوم و فنون عمیقاً در اقتصاد ما داگاسکار نفوذ کرده و مشاغل کلیدی را احراز می نمایند ، تابع کشور اخیر با نداشتن زمینه های لازم تنها ممکن است به کارهای پست در فرانس دست یابند .
V. Berthold Goldman, "Droit Commercial europeen", Op.Cit.
n° 58, b.

(1) : Passe ports Nansen

به موجب ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱، پناهنده کسی است که به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی، عقیدتی یا تعلق به گروه اجتماعی بخصوصی ممکن است در کشور خود توقیف یا تحت آزار و شکنجه قرار گیرد و لذا از کشور میزبان درخواست پناهندگی و حمایت می نماید.

همین طور مطابق کنوانسیون ۱۹۵۴، شخص بدون تابعیت (۱) کسی است که هیچ کشوری او را بر اساس مقررات داخلی تبعه محسوب نمی دارد.

مطابق مفاد کنوانسیونهای فوق کشورهای امضاءکننده متعهد شده اند تا سرحد امکان در سرزمینهای مربوطه رفتار مناسبی نسبت به این گونه افراد اعمال شود تا بتوانند در صنعت، کشاورزی، بازرگانی و حرف مختلف اشتغال یا بند. اما این بدان معنی نیست که اشخاص مورد بحث بدون نیاز به تقاضای کارت بازرگانی می توانند به تجارت اشتغال ورزند، زیرا در کنوانسیونهای فوق پناهندگان و افراد بی-تابعیت با اتباع کشورهای میزبان برپایه تساوی حقوق قرار نداشته و تنها با بیگانگان دیگر متساوی الحقوق می باشند.

۲- کنوانسیون استقرار شورای اروپا* - این کنوانسیون که به سال ۱۹۵۵ در پاریس به امضاء رسیده مورد تأیید اعضا بازاری مشترک قرار گرفته است. این کنوانسیون یک چارچوب عمومی بعنوان حداقل حقوق اتباع مالک امضاءکننده در کشورهای عضو معین و مشخص می نماید. اشخاص منتفع از این کنوانسیون فقط اتباع دول امضاءکننده، آن هم تنها در سرزمینهای یکدیگر می باشد. مقررات مورد توافق در خصوص ورود، اقامت و اشتغال افراد به حرفه و فن و هرگونه

(1) Apatride; Stateless Person.

*: "Convention d'etablissement du conseil de l'Europe"

فعالیت صنعتی و بازرگانی و کشاورزی، آژادیهائی را در نظر می گیرد. البته در موارد نقض نظم عمومی و اخلاق حسنه و یا امنیت اجتماعی، و همین طور مشکلات اقتصادی و اجتماعی، هر کشور عضومی تواند آژادیهائی مربوطه را محدود نماید. اما در هر حال مطابق موا د دیگری از کنوانسیون موارد زیر از اختیار دولتها خارج گردیده است :

- لغو اقامت اتباع کشورهای عضو که حداقل پنج سال تمام پیوسته به یک فعالیت سودآور در کشور میزبان اشتغال داشته اند.
- اقامت اشخاصی که به مدت ده سال تمام، پیوسته در خاک کشور دیگری عضو کنوانسیون صرفاً "بدون فعالیت شغلی" اقامت داشته اند.
- اقامت افرادی که بعنوان مقیم (دائمی) در کشور دیگری عضو پذیرفته شده اند.

موضوع مهمی که در این قرارداد چند جانبه مورد توافق قرار گرفته و در چند ماده منعکس است، امکان تأمین خدمات حرفه ای کمکی توسط هموطنان فردی که فعالیت حرفه ای در کشور میزبان دارد، علی رغم دسترسی به افراد حائز شرایط (یعنی خبره) تبعه کشور اخیر میباشند. ناگفته نماند کنوانسیونهای دوجانبه میان کشورهای گوناگون جامعه اقتصادی می تواند تسهیلات بیشتری را در مورد اتباع مالک طرف قرارداد نسبت به کنوانسیون شورای اروپا پیش بینی نماید. به عبارت دیگر عهدها ماه اخیر، حداقل مورد قبول در چارچوب با زار مشترک را پی ریزی می نماید. بنا بر این بدیهی است که کشورهای اروپائی می توانند بطور اختصاصی کنوانسیونهای دویا چند جانبه جهت تعمیق بیشتر روابط میان خود برقرار سازند.